فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی
سال ششم • شماره سوم • پاییز ۱۴۰۲
Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 6, No. 3, Autumn 2023

معیارهای مرزبندی اخلاقی دو مفهوم حُسنِ ظن و ساده‌لوحی بر اساس آموزه‌های اخلاق اسلامی

محمدجواد فلاح* | هادی خوشنودی**

doi 10.22034/ETHICS.2024.51131.1640

چکیده

از جمله دوگانه‌های اخلاقی که ممکن است فاعل اخلاقی را در مقام شناخت دچار اشتباه و مشکل سازد، دو مفهوم حُسنِ ظن و ساده‌لوحی است. هدف این مقاله نشان دادن معیارهای تمایز دوگانهٔ اخلاقی حُسنِ ظن و ساده‌لوحی بر اساس معیارهای مندرج در متون اسلامی است. این معیارها ذیل مباحثی چون تمایز مفهومی، خاستگاه، شرایط و موقعیت‌هایی است که فاعل اخلاقی در آن مطرح می‌شوند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به تبیین معیارهای پیش‌گفته جهت تمایز این دوگانه اخلاقی پرداخته است. «اصل بودن حُسنِ ظن در نسبت با ساده‌لوحی»، «مستثنیٰ شدن اموری مثل ازدواج و برخی معاملات از اصل حُسنِ ظن»، «رعایت اصل احتیاط در موارد خاص مثل فراگیری فساد در جامعه و غلبهٔ ستم به ویژه در مورد افراد ناشناخته»، «عدم رعایت حُسنِ ظن در خطاهای پرتکرار و در صورت مشهود بودن خطای طرف مقابل» و «عدم مطلق بودن خوش‌گمانی و بدگمانی» از نتایج پژوهش حاضر است که به روش توصیفی- تحلیلی بدست آمده است.

کلیدواژه‌ها

حُسنِ ظن، ساده‌لوحی، دوگانهٔ اخلاقی، اخلاق اسلامی، اخلاق کاربردی.

* دانشیار گروه اخلاق دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول) | fallah@maaref.ac.ir
** دانشجوی دکتری مدرسی اخلاق دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. | h.khoshnodi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹ ▣ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

■ فلاح، محمدجواد؛ خوشنودی، هادی. (۱۴۰۲). معیارهای مرزبندی اخلاقی دو مفهوم حُسنِ ظن و ساده‌لوحی بر اساس آموزه‌های اخلاق اسلامی. فصلنامه اخلاق‌پژوهی. ۶(۲۰)، ۵-۲۲. doi: 10.22034/ETHICS.2024.51131.1640

۱. بیان مسئله

دوگانهٔ حُسنِ ظن و ساده‌لوحی، یکی از مسائلی است که عدم مرزبندی و شناخت آن سبب مشتبه شدن امر بر افراد جامعه و همچنین تصمیم‌گیران آن می‌شود. برداشت‌های نادرست از حُسنِ ظن و آیات و روایات آن سبب اشتباه با ساده‌لوحی می‌شود که برخی منابع به این مسئله پرداخته‌اند. دیدگاه‌های مختلف در باب حُسنِ ظن وجود دارد که برخی از باب اخلاق فضیلت و برخی اخلاق غایت‌گرایانه است که مبنای ما در این پژوهش در ملاک ارزش اخلاقی اعمال نظریه تلفیقی از این دو رُکن است که با عنوان «غایت‌انگاری فضیلت‌بنیاد یا ویژگی‌نگر» مصطلح در فلسفهٔ اخلاق ارائه می‌شود؛ بدین معنا که ارزش اخلاقی اعمال هم بر اساس فاعل، انگیزه‌ها و نیات و فضایل باطنی او به عنوان شرط مقبولیت اعمال و ملاک کمال آنها و هم بر اساس آثار و نتایج اعمال از حیث تحقّق غایت انسان تعیین می‌شود (حسینی رامندی، ۱۳۹۹، ص ۴۲). می‌توان پژوهش حاضر را از مباحث اخلاق کاربردی دانست؛ زیرا اخلاق کاربردی در صدد است تا کاربرد و اِعمال منظم و منطقی نظریه اخلاقی در مسائل خاص را نشان دهد (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۲۸). هدف این تحقیق نشان دادن معیارهای تمایز دوگانهٔ اخلاقی حُسنِ ظن و ساده‌لوحی بر اساس زمان، مکان، نیت، متعلق، خاستگاه، انگیزه، شرایط و موقعیت‌های آن است که در این راستا، سه نکته اصلی، یعنی تبیین مفهومی و منشأ و شرایط و موقعیت‌ها مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد.

در باب مسئله حاضر پژوهش مستقلی صورت نگرفته، ولی برخی صاحب‌نظران (رضایی، ۱۳۸۷) اهمیت، آثار و کارکردهای حُسنِ ظن را بیان کرده و برخی مقالات نیز به دیدگاه ائمه اطهار (ع) دربارهٔ مثبت‌اندیشی (صادقی، ۱۳۹۲) یا تبیین ساده‌لوحی (غفوری و عبداللّه زاده، ۱۳۹۶) و برخی دیگر به شکل کلی به مفهوم تبیین سوء ظن (حسینی، ۱۳۹۹) پرداخته‌اند و در بعضی آثار بررسی مقایسه‌ای حُسنِ ظن در متون دینی با خوش‌بینی در روان‌شناسی (ایمانیه و دیگران، ۲۰۲۱) تبیین شده است، اما مقالهٔ حاضر از جهت ارائه معیارهایی برای تمایز دو مفهوم حُسنِ ظن و ساده‌لوحی ـ بر اساس آموزه‌های اخلاق اسلامی ـ واجد نوآوری است.

۲. تمایز مفهومی حُسنِ ظن و ساده‌لوحی

یکی از شاخص‌های تمایز دوگانه، تمایز مفهومی است. این تمایز می‌تواند قدرت شناخت ما را در تشخیص اینکه در موقعیت فاعل اخلاقی دچار حُسنِ ظن هستیم یا در دام ساده‌لوحی گرفتار

شده‌ایم. در اصل تمایز مفهوم به ما کمک می‌کند به جهت شناختی و توسعه فهم در مواجهه با این دو حالت دقت و تمرکز کافی و لازم را داشته باشیم. حُسنِ ظن، ترکیبی اضافی و در لغت به معنای خوش‌بینی، گمان نیک در برابر سوء ظن به معنای بدبینی و بدگمانی است. در اصطلاح نیز این واژه نیک‌انگاشتن در مورد خداوند، مؤمنین و فعل و انفعالات عالم و هم‌چنین کردار و گفتار انسان‌هاست. افزون بر این، مثبت‌نگری، خوش‌بینی یا حُسنِ ظن به تعبیر روایات اسلامی گفته می‌شود (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۳۴). پایه و اساس حُسنِ ظن، بر ظن و گمان استوار است. در قران کریم واژه «ظنّ» گاهی به معنای شک و گاهی به معنای یقین (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۷۹) به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۱۵۲)، اما معنای حقیقی آن، خیال قوی یا گمان است که احتمال خلاف در آن پایین و کم بوده، لکن به اندازهٔ اطمینان یا یقین نرسیده باشد (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۵۹۰).

ساحت‌های شخصیت انسان عبارتند از: ۱. حوزهٔ شناختی و معرفت؛ ۲. حوزهٔ احساسی و عاطفی؛ ۳. حوزهٔ رفتار و عمل. بنابراین، پیش‌فرض ما این است که ظن در دیدگاه اسلامی شامل شناخت، عاطفه و رفتار است.

مثبت‌نگری، مثبت‌اندیشی، خوش‌بینی و خوش‌گمانی، همگی تعبیرهایی‌اند که تقریباً معنای واحد داشته و در مورد کسی که نگاهی مثبت به حوادث و وقایع و افراد انسان دارد که غالب موارد تفسیر ناخوشایندی از آنان ارائه نمی‌دهد که تعبیر از آن در ادبیات دینی همان حُسنِ ظن است. «حُسنِ ظن» از نظر لغت، معنای گمان خوب در برابر سوء ظن یا همان گمان بد را در بردارد که معنای اصطلاحی آن را پیش‌تر بیان کردیم (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۳۴). از این‌رو، می‌توان حُسنِ ظن را چنین تعریف کرد: خوش‌بینی، توجه شناختی و عاطفی مثبت نسبت به خدا، جهان، افراد، خود، افکار، رفتارها و رویدادها که فرد بر اساس آن، رویدادها را تفسیر مثبت نموده و انتظار دارد که با تلاش خودش اوضاع بر وفق مراد پیش رفته و نتایج دلخواه به دست آید (نوری، ۱۳۸۷، ص ۵۳ـ۷۰).

خوش‌بینی هیچ‌گاه به معنای ساده‌لوحی و ساده‌اندیشی نیست و بین این دو واژه باید قائل به تفاوت شویم. از طرفی می‌توان گفت پایه و ریشهٔ ساده‌لوحی همان بلاهت و بی‌مسئولیتی است؛ چون در اصطلاح معنای «بلاهت» معنای تعطیل کردن عمدی و از روی اختیار قوهٔ عقل است (اخلاق ناصری، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹). از طرف دیگر، خوش‌بینی به خلاف آن است، یعنی حالتی مسئولانه و از روی آگاهی است. توضیح بیشتر اینکه فرد با ایمان در حالی که حُسنِ ظن به دیگران دارد، اما حسّاس و باهوش و زیرک هم است تا کسی نتواند سوء استفاده از او کند و تأکید اسلام به

شاهد گرفتن در اکثر معامله‌های تجاری و زیرکی در انتخاب کردن شریک و نوشتن سند به همین دلیل است. نکته قابل توجه این است که در قرآن کریم نیز طولانی‌ترین آیه، درمورد نحوهٔ تنظیم قرارداد و گرفتن شاهد در زمان معامله‌های دارای مدت است (سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۸۲).

نکتهٔ قابل توجه دیگر، تفاوت بین خوش‌باوری و خوش‌بینی است؛ چون اعتماد انسان به افراد ناشناخته را خوش‌بینی نمی‌گویند و این مطلوب نیست که فرد بدون جست‌وجو و آزمایش کردن اشخاص به سخن آنها ترتیب اثر داده و نتایج خاص را از آن به دست آورد. افزون بر این، خوش بین بودن نسبت به افراد معلوم الحال ـ از نظر آلودگی و فساد ـ نوعی خوش‌باوری است؛ زیرا افراد خوش‌بین و برخوردار از صفت حُسنِ ظن نوع تفسیرشان از اعمال و کردار دیگران همراه با دوراندیشی، مراقبت و احتیاط است و برای خوش‌بینی و حُسنِ ظن خود قرائن و شواهدی را همراه می‌بینند نه آنکه همیشه و بدون هیچ شاهد و قرینه‌ای نسبت به افراد حتی افراد معلوم الحال و مفسد چنین خوش‌بینی را روا بدارند. در منابع دینی، ضمن دستور دادن به عدم سوء ظن به دیگران، دستور به عدم اکتفا به ظاهر افراد هم وارد شده است؛ زیرا گاهی ظاهر فردی موجّه و پسندیده نمایان شده لکن باطنش ابتلا به فسادهایی دارد، اما نکته این است از طرفی هم نباید با رفتار خود سبب نابودی خوش‌بینی افراد دیگر شد. امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه می‌فرماید: «مَنِ انْتَجَعَک مُؤَمِّلًا فَقَدْ أَسْلَفَکَ حُسْنَ الظَّنِّ بِک فَلَا تُخَيِّبْ ظَنَّه؛ یعنی مبادا با رفتار خود کسی که احساس خوش‌بینی نسبت به تو دارد را ناامید کنید» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۸۲).

تفاوت دیگر در روان‌شناسی هم آمده است که مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی همراه با برنامه‌ریزی و واقعیت‌نگری است، اما ساده‌لوحی همراه با بی‌خیالی است که برنامه‌ریزی مشخصی در هر کاری ندارد و برخورد او در موضوعات و پدیده با صرف احساس و هیجان است تا جایی که گاهی موضوعات مهم را با خونسردی و بی‌خیالی کم‌اهمیت فرض می‌کند. پس حد و مرز خوش‌بینی و بی‌خیالی یا به عبارتی، حُسنِ ظن و ساده‌لوحی، واقع‌گرایی است (علیزاده، ۱۳۸۷، ص ۲۱).

نکته دیگر این‌که آثار هر کدام از این دو مفهوم بیان‌کننده تمایز آنهاست؛ برای نمونه، برخی صاحب‌نظران، از حُسنِ ظن به مثابه یک فضیلت اخلاقی بحث کرده و معتقدند عدم اعتماد، نخستین نتیجهٔ نامبارک بدگمانی (ساده‌لوحی) است که در صورت وجودش در یک جامعه، تعاون و همکاری و همدلی معدوم شده و برکات و آثار زندگی اجتماعی از بین می‌رود. به همین دلیل، اسلام که برای اعتماد متقابل افراد و امت‌ها اهمیت فوق العاده‌ای قائل است از مسئله بدگمانی (ساده‌لوحی) به شدّت نهی کرده و مردم را با تعابیر بسیار متقن، دعوت به حُسنِ ظن

کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۳۱۷). در ادامه، با رویکرد تحلیلی به مرزهـای متمایزکننـده این دو مفهوم اخلاقی پرداخته می‌شود.

۳. تمایز از جهت خاستگاه و منشأ

شناخت ریشه این دو مفهوم (ساده‌لوحی و حُسن ظن) می‌تواند به شناخت بهتـر خـود آن صـفت کمک کند. یکی از راه‌های شناخت حقائق اخلاقی توجه به عوامل و ریشـه‌های فعـل یـا صـفت اخلاقی است. در صورت که مناشی صفت یا رفتاری، امری یا صفتی غیر اخلاقی باشد، نتیجه و مسبب نیز غیر اخلاقی است. در اینجا به سه منشأ مهم اشاره می‌کنیم.

۳. ۱. ایمان و کفر

ایمان و کفر یکی از خاستگاه‌های حُسنِ ظن و ساده‌لوحی است. این مطلب در روایات نیز مـورد تأکید قرار گرفته و اصل و ریشهٔ حُسنِ ظن را ایمان فرد دانسته و می‌فرماید: «حُسْـنُ اَلظَّـنِّ أَصْـلُهُ مِنْ حُسْنِ إِيمَانِ اَلْمَرْءِ؛ اصل حُسنِ ظن از ایمان شخص است» (نـوری، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۲۵۱). ایـن روایت نشان می‌دهد که منشأ حُسنِ ظن امری است قلبی که مبتنـی بـر ایمـان شـخص صـورت می‌پذیرد و ایمان هم به باور و هم عواطف و قلب مرتبط اسـت پـس دو سـاحت اسـت. امـا آیـا ساده‌لوحی نیز چنین است؟ مبتنی بر ایمان است یا مبتنی بر بی‌تفاوتی، یا غفلت است؟

«زودباوری» به معنای اعتماد زود هنگام و غیر منطقی به دیگران است که آن را «سـاده‌لوحی» نیز می‌نامند. زودباوری آثاری مانند استرس، بدبینی، عدم عزّت نفس و کاهش اعتماد بـه نفـس و سستی اراده را به همراه دارد. در مقایسه حُسنِ ظن و سوء ظن می‌توان به منشاء هر کدام نیـز اشـاره کرد؛ می‌توان منشأ ساده‌لوحی را ضعف ایمان دانست، اما منشا حُسنِ ظن ایمان بوده کـه آرامـش (سورهٔ فتح، آیهٔ ۴) و عزّت نفس (سورهٔ منافقون، آیهٔ ۸) و فضایل بسیار دیگر رهاورد آن است. دلـیلش ایـن است که طبق حُسنِ ظن گفتار و رفتار دیگران را بر صورت نیکو حمل کرده و بـه دلیـل برخاسـتن حُسنِ ظن از ایمان و از طرفی نشأت گرفتن حیا از ایمان، فرد با ایمـان بـه دلیـل همسـان‌انگـاری دیگران به خاطر ایمانش، بدانگاری دربارهٔ آنها را منتفی کـرده و گـویش و کـنش آنـان را بـر وجـه صحیح حمل می‌کند (علیـزاده، ۱۳۸۷، ص ۲۲) و در برخی دیگر حُسنِ ظن بهای بهشت دانسته شـده (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۰، ص ۳۸۴). که بهشت نیز مأوای اهل ایمان است و برخی صـاحب‌نظـران

معتقدند ایمان به عنوان صفت و اثری راسخ در دل فرد با ایمان، اعتقادات حقه‌ای به عنوان منشأ کارهای خوب است (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳: ج ۵، ص ۱۱۹). پس ریشه حُسنِ ظن همان ایمان فرد است که در جایی دیگر تأکید بر غنیمت دانستن گمان افراد با ایمان به دلیل جاری ساخت حق بر زبان آنها شده است (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۹). کارکرد مهم این شیوهٔ رفتاری ترمیم آسیب خروج از اعتدال در معاشرت با دیگران است. ایمان راسخ و اعتقاد بهترین انگیزه شوق برای مثبت‌اندیشی در حوادث گوناگون روزگار است (ملکی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۱).

از طرفی دیگر، در منابع دینی ضد حُسنِ ظن ناشی از عدم ایمان دانسته شده است (اللیثی، ۱۴۱۸، ص ۵۳۵). این مطلب در سیره اهل بیت (ع) نیز مشاهده می‌شود: مانند منع امام جواد (ع) در مشورت به یکی از مؤمنین از ساده‌لوحی وزودباوری به فرد بی‌ایمان شرابخوار و استدلال حضرت به آیهٔ ۶۱ سورهٔ توبه «یُومِنُ بِاللّهِ وَ یُومِنُ لِلمُومِنین؛ به خدا ایمان آورده و به مؤمنان هم اطمینان دارد» که نشان‌دهنده خاستگاه حُسنِ ظن و ساده‌لوحی است (دستغیب، ۱۳۵۱، ص ۶۰۷). از روایت اخیر چنین بر می‌آید که زمانی که گروهی از مؤمنین به بدکرداری فردی گواهی می‌دهند، به هر حال این گواهی را نیز نمی‌توان نشنیده گرفت و این اعتماد و اقدام عقلایی نیست (دستغیب، ۱۳۵۱، ۶۰۸).

۳. ۲. عقل و جهل

حُسنِ ظن از فضایل قوّه عاقله می‌تواند باشد، اما ساده‌لوحی از جُبن و ضعف نفس سرچشمه می‌گیرد و از رذایل قوّه غضبیه است. از این‌رو، در برخی منابع ساده‌لوح را ضعیف العقل و خفیف العقل نیز خوانده‌اند (لغتنامه دهخدا، ذیل واژه ساده‌لوح). علوّ سالک در مقام محبّت، با میزان امیدواری و حسن ظن او به خدا رابطه مستقیم دارد. از نشانه‌های مؤمنان سوء ظن داشتن به خود و خوش‌گمان بودن به دیگران بوده و عکس این حالت سزاوار منافقان است (مکی، ۱۳۱۰، ص ۲۱۷). به نظر می‌رسد سوء ظن آدمی به خداوند، از نداشتن معرفتِ صحیح به آن ذاتِ حکیم و قادر مطلق نشأت می‌گیرد (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۷۹). از سوی دیگر، محقّق نراقی (نراقی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۶) سوء ظن را از رذایل و منشأ آن را قوّه غضبیّه می‌داند و به باور وی، چنانکه حُسن ظن ریشه در قوّت و ثبات نفس آدمی دارد، سوء ظن یا همان ساده‌لوحی از جُبن و ضعف نفس سرچشمه می‌گیرد. حارث محاسبی (حارث محاسبی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۱۵۱) نیز سوء ظن را از گناهان قلب می‌شمرد و پس از او غزالی آن را غیبت با قلب و همانند غیبت با زبان، حرام می‌شمارد (غزالی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۰). در سبب تحریم سوء ظن هم برخی آورده‌اند که چون تنها خدا از اسرار انسان‌ها آگاه است، بنابراین،

کسی را شایستگی آن نیست که در وجود کس دیگری به امر سوء و زشتی معتقد شود، مگر آنکه آن زشتی بر او عیان شود و قابل تأویل به خیر هم نباشد. بنابراین، حُسن ظن به دیگران، یعنی تأویل افعال آنان به بهترین وجهِ ممکن و نه بر وجهِ فاسد (نراقی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۲۰).

از آنجا که یکی از مبانی با اهمیت رفتار، شناخت است خطاهای مربوط به شناخت هم تأثیری زیاد بر رفتارهای شخص خصوصاً تعاملات اجتماعی او دارند. شاید به همین دلیل در بحث شناخت مهم‌ترین مسئله از نظر محقّقین، دست یافتن به روش‌ها و معیارهایی جهت اکتساب علم و آگاهی دانسته‌اند (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۴۳ـ۴۴).

بنابراین، تعیین کردن و معرفی دقیق مرزهای ساده‌لوحی با خوش‌گمانی به دیگران، به منظور دوری از خطاهای مربوط به شناخت در این مورد ضروری است. در احادیث اسلامی، توصیه به حُسنِ ظن و مثبت‌اندیشی همراه با خِرَدورزی و تعقل است که تعقل همراه با سنجش و درنگ، دوراندیشی و تجزیه و تحلیل فهمیده می‌شود. در منابع دینی این مطلب با تعابیر تناسب ظن مرد با عقلش (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۳۹) و نزدیک‌تر بودن گمان متقین و صاحبان عقل به درستی (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۴۰) و نشانه کمال عقل (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۰۸) مورد تأکید قرار گرفته و به عبارت دیگر، مؤمنین را به حُسنِ ظن عاقلانه؛ نه مثبت‌اندیشی ساده‌اندیشانه توصیه می‌کنند. از طرفی دیگر، خاستگاه ساده‌لوحی جهل است و در واقع، می‌توان سخن برخی صاحب‌نظران در حوزه تفریط قوّه عاقله، یعنی جهل را برای ساده‌لوحی به کار برد (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۷۱). امیرمومنان (ع) جهل را منشأ ساده‌لوحی دانسته و تعبیر «جاهل القلب» را دربارهٔ او به کار برده است که نشان‌دهندهٔ خاستگاه این رذیلهٔ اخلاقی است (شیخ صدوق، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۹). در روایات نیز کم‌عقلی دانستن اطمینان به همه افراد پیش از آزمودن (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۴۵) و ناتوان شمردن آن (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۶۸، ص ۱۹۰) و سقوط حتمی بدلیل اطمینان به دوست (جلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱، ص ۱۷۴) همگی اشاره به برخاستن ساده‌لوحی از جهل انسان است. از آنجا که برخی صاحب‌نظران تعقل را به معنای جست‌وجو از هر حقیقتی به اندازه شایسته دانسته و تعقل را حدِّ وسط بین غرق شدن در یک موضوع و کم‌دقتی می‌داند (طوسی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۲). پس می‌توان گفت حُسنِ ظن برخاسته از تعقل و ساده‌لوحی نیز ضدِّ تعقل است.

۳. ۳. سلامت نفس و سقم آن

منشا حُسنِ ظن قوّت نفس و منشأ ساده‌لوحی سقم و انفعال نفس است. توضیح بیشتر اینکه

حُسن ظن ریشه در قوّت و ثبات نفس دارد و سلامت درون و صفای باطنی خاستگاه این فضیلت اخلاقی است که در منابع دینی هم به آن تأکید شده است، مانند این روایت امـام صـادق (ع) کـه فرمود: «حُسْنُ الظَّنِّ أَصْلُهُ مِنْ حُسْنِ إِيمَانِ الْمَرْءِ وَ سَلَامَةِ صَدْرِهِ» و ایشان صدور فضایل دیگـری همچون حیا، امانت‌داری و راستگویی را از این حُسنِ ظن بر اساس سلامت نفس مـی‌داننـد و از قول پیامبر (ص) بین حُسنِ ظن و صفای قلب و پاکی طبیعـت انسـان رابطـه‌ای حقیقـی و نزدیـک برقرار دانسته و برای حفظ این سلامت ارزشمند دسـتور بـه ۷۰ تأویـل در صـورت دیـدن امـری ناپسند از دیگران می‌نمایند (نوری، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۱۷۳).

خوش‌گمان بودن، به دو نوع نسبت به خـود و دیگـران تقسـیم می‌شـود. نـوع نخسـت آن نیـز در واقع، دارای دو قسم است که اول حُسنِ ظن به خویش در انجام امور است این خـوش‌گمـانی که به مفهوم اعتماد به توانمندی‌های خداداد خویش است، نمی‌تواند ناپسند باشد؛ زیـرا خداونـد استعدادها و توانمندی‌هایی مناسب برای اعضای انسان عطا فرموده است کـه بـا اعتمـاد کـردن و تکیه کردن بر آنها می‌تواند ساماندهی و مدیریت امور زندگی‌اش را به دست گیرد (سـورهٔ تـین، آیـهٔ ۴؛ سورهٔ اسراء، آیهٔ ۷۰). پس در واقع، تکیه کردن و اعتماد کردن به اسـتعدادهای خـدادادی او بـه معنـای به کارگیری و استفاده از نعمت‌های خداوند است که صادر شده از روی سلامت نفس و بهره‌وری از نعمت‌های خداوند و تکیه کردن بـه آنهـا، نـوعی شـکرگزاری نعمت‌هـای خداونـد به‌حسـاب می‌آید، امام علی (ع) انسان‌ها را ترغیب به شناخت ارزش خود کرده «ولایَجهَل مَبلَـغ قَـدرِ نَفسِـه فِی الأمور فَإن الجَاهلَ بِقَدرِ نَفسِه یَکُونُ قَدر غَیرِه أجهَل؛ اگر کسی ارزش خود را نادیده گرفت بـه دیگران هم بدبین می‌شود که این شناخت بـا توجـه کـردن بـه ویژگی‌هـای مثبـت خـود و داشـتن حُسنِ ظن میسّر می‌شود» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از این‌رو، ایشان ریشه سوء ظن را حقارت فرد می‌داند. ایشـان در مـوارد متعـددی بـه ارزش و مقام انسان اشاره کرده و معتقد است هیچ چیزی آن اندازه ارزش ندارد که فرد به خاطر آن خـود را آلوده سازد «وأکرِم نَفسَک عَن کُل دَنیَه؛ خود را از هـر پسـتی ای برکنـار دار»(نهج‌البلاغـه، نامـه ۳۱). به همین جهت، این گونه اعتماد کردن به نفس خود و حُسنِ ظن به خـویش پسـندیده و ضـروری است. اطمینان کردن به خود در مصونیت از گناهان نوعی دیگر از خوش‌گمانی به خـویش اسـت که در حقیقت، این قسم ساده‌لوحی محسوب می‌شود. توضیح اینکه افرادی کـه نسـبت بـه خـود خوش‌بین باشند به جهت این خوش‌بینی دوری از وارد شدن به گناه نمی‌کنـد و معتقـد اسـت کـه توان خروج به صورت سالم از محـیط گنـاه را داشـته و خـویش را پیراسـته از آلودگی‌هـا می‌کنـد

(سورهٔ یوسف، آیهٔ ۵۳). در واقع، این قسم از حُسنِ ظن علامت بیماری و سقم نفس انسان است که نوعی غرور هم به‌حساب می‌آید که در صورت ایجاد در درون شخص، ترس فرد را از ارتباط داشتن و دوستی کردن با افراد گنهکار از بین می‌برد. از این نوع خوش‌گمانی از روی سقم نفس در متون دینی منع شده است (نوری، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۱۴۰).

اما حُسنِ ظن به دیگران که باز هم برخاسته از سلامت نفس است شامل افراد جامعه و خانواده است. خوش‌بینی به افراد جامعه طبق همان اصل درستکاری در تعاملات اجتماعی است که در واقع، خوش‌گمانی ریشه و پایهٔ چنین اصلی است. پس اصالت الصحة تا هنگامی که خلاف درستکاری اثبات نشود جاری بوده و جایگاهی برای سوء ظن و بدبینی در این مورد نیست (اعرجی‌نجفی‌حسینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۹۲). این سلامت نفس انسان و صدور حُسنِ ظن نسبت به دیگران و دیگر افراد و هم‌نوعانش تضمین‌کنندهٔ سلامت روانی جامعه و زمینه‌ساز اعتماد، همدلی و وحدت میان آنان خواهد شد. آیات و روایات زیادی در این زمینه وجود دارد از جمله می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثِیرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اجتناب از گمان‌های کنید؛ چون بعضی گمان‌ها گناه می‌باشد» (سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۲).

«وَلا تَقْفُ ما لَیسَ لَکَ بِهِ عِلمٌ؛ از آنچه به آن آگاهی نداری پیروی مکن» (سورهٔ اسراء، آیهٔ ۳۶).

امام علی (ع) در همین راستا می‌فرماید: «رفتار برادر خود را به بهترین شکلش تفسیر نما تا هنگامی که عملی از او سر زد و توجیه آن امکان نداشت و هیچ‌وقت به حرفی که از برادرت صادر شود، تا هنگامی که برایش توجیهی مناسب می‌یابی، گمان سوء نداشته باش» (شیخ صدوق، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲) وهمچنین در تأکید خوش‌بینی می‌فرماید: «ای مردم هر گاه به اعتماد و حسن عمل برادر دینی خود عقیده دارید حرف این و آن را دربارهٔ او نشنوید (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱). پس اگر در جامعه اسلامی، بلکه در جامعه انسانی برنامه‌ها و دستورهای اسلامی از جمله حُسنِ ظن اجرا شود، بسیاری از قضاوت‌های عجولانه، شایعه‌سازی‌ها، اخبار مشکوک و دروغ برچیده می‌شود (سلطانی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۳) و همچنین حُسنِ ظن در این حوزه سبب آسان‌گیری افراد می‌شود؛ زیرا انسان‌های خوش‌بین و دارای حُسنِ ظن با سخت‌گیری های بی‌مورد زندگی را به کام خود و دیگران تلخ می‌کنند (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۶۵)، اما اگر با ساده‌لوحی و زودباوری صادر شده از سقم نفس انسان حرکت کنیم منجر به فروپاشی مهربانی و الفت و ارکان وحدت اجتماعی و

گسستگی پیوند برادری دینی و سختی و مشقت انجام دادن کارهای آسان، سبب به ستوه آوردن افراد جامعه شده و کدورت و دشمنی را در جامعه و افرادش حکمفرما می‌کند.

حُسنِ ظن در بحث خانواده نیز به عنوان یک دستور اخلاقی در خانواده و روابط میان همسران، اهمیت بیشتری دارد و لازم است همسران از هر گونه گمان بد به یکدیگر بپرهیزند تا زمینه‌ی آرامش و سازگاری آنان طبق دستور خداوند (سورهٔ روم، آیهٔ ۲۱) هر چه بیشتر فراهم شود. حُسنِ ظن صادر شده از سلامت نفس افراد سبب استحکام بنیاد خانواده و عدم بدبینی به همسر (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۶۳) آرامش قلب و سلامت دین (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۵۳) و مانع اختلافات در خانواده و طلاق است و ضد آن اعم از سوءظن و ساده‌لوحی و زودباوری صادر شده از روی سقم نفس منافات با فلسفه تشکیل خانواده و مانع استحکام و آرامش وحدت آن است. حتی در سیره معصومین (ع) نیز حُسنِ ظن برگرفته از سلامت نفس در حفظ خانواده مشاهده می‌شود مانند رفتار رسول خدا (ص) در مأموریت الهی دوری از همسرشان، یعنی حضرت خدیجه (س) و پیام دادن به همسر توسط عمار یاسر و دستور ایشان به حُسنِ ظن (قمی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶).

۴. تمایز بر اساس شرایط و موقعیت‌ها

یکی دیگر از تمایزهای مهم بین این دو مقوله حُسنِ ظن وساده‌لوحی تمایز طبق شرایط و موقعیت هاست، یعنی باید در مخاطب شرایطی فراهم شود که زمینهٔ حُسنِ ظن و مثبت‌اندیشی برای افراد دیگر را مساعد نماید یا به تعبیری، برای حُسنِ ظن در آموزه‌های دینی موقعیت‌ها و شرایطی معیّن شده است.

حقیقتِ گمان از نظر ارزش اخلاقی به عبارت دیگر، فارغ از موضوعش، می‌تواند پسندیده و نیک یا ناپسند و زشت باشد. بنابراین، خود گمان داشتن به کسی یا چیزی، اعم از منفی یا مثبت و به‌خودی‌خود، بار ارزشی نداشته و بستگی به متعلقش دارد که دارای ارزش منفی یا مثبت می گردد. این موضوع را ممکن است بتوانیم از برخی تعابیر قرآنی که دربارهٔ اجتناب از ظن است استفاده کنیم. مانند آیهٔ «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثِیرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظنّ و پندارها معصیت است» (سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۲). در این آیه، خداوند بندگان مؤمنش را از حدس و گمان برحذر داشته و گناه بودن برخی از گمان‌ها را دلیلش دانسته است. پس خود ظن و گمان، به‌خودی‌خود، قابلیت اتصاف به بدی یا خوبی داشته و همان‌طور که بعضی گمان‌ها گناه نیستند، بعضی دیگر گناه

هستند. در این زمینه برخی مفسّران، در توضیح آیهٔ شریفه می‌گویند: «مراد از ظنّ منهی عنه برای مسلمانان در این آیهٔ شریفه ظنّ ناپسند است؛ چون ظنّ خیر پسندیده و مورد سفارش نیز در برخی آیات (سورهٔ نور، آیهٔ ۱۲) دیگر است» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۸، ص ۳۲۳). به حسب شرایط و موقعیت‌ها، حُسنِ ظن با ساده‌لوحی تفاوت دارد که مواردش عبارتند از:

۴. ۱. در موقعیت مواجهه با دشمن

سوء ظن در برابر دشمنان، یکی از موارد لازم و ضروری دربارهٔ سوء ظن است و چه بسا دشمنان ممکن است ادعای محبّت و دوستی و صلح و تغییر روش داشته و دست امداد و مهربانی به سوی ما دراز کرده باشند که در چنین مواردی نباید هیچ‌گاه دچار حُسنِ ظن گردید و اعتماد به دشمن کرد، بلکه باید احتمال فریب و مکر در همهٔ این موارد بدهیم. یا دربارهٔ منافقین که گاهی به اندازه‌ای زیبا و نیکو سخن می‌گویند که ناخواسته، انسان متوجه سخنان آنها شده که این نکته در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است (سورهٔ منافقون، آیهٔ ۴).

خوش‌بینی به دشمن، مصداق بارز حماقت و سفاهت و ساده‌لوحی است؛ تا جایی که امیرالمؤمنین (ع) حتی حُسنِ ظن به دشمنان پس از صلح با آنان را روا ندانسته و می‌فرماید:

> الحَذَر کلُّ الحَذَر مِن عَدُوِّک بَعدَ صُلحِهِ فَإنَّ العَدُوَّ رُبَّما قَارَبَ لِیَستَغفِلَ فَخُذ بِالحَزمِ وَ اتَّهِم فِی ذَلِکَ حُسنُ الظَّنِ؛ زمانی که پیمان صلح با دشمنت می‌بندی بسیار از او حذر کن؛ چون نزدیک شدن دشمن گاهی برای غافلگیری است پس در چنین شرایطی دوراندیش باش و اختیار از دست نده و حُسنِ ظن خود را متهم کن (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

پس مؤمن باید در برخورد با دشمن خویش، همواره ظنین باشد و هیچ وقت از حیله‌های او غافل نشود؛ چون حتی در صورت صلح کردن نیز همیشه دشمن مورد گمانِ نیرنگ و حیله می‌باشد؛ به دلیل اینکه پیوسته دشمن در فکر انتقام شکست‌ها و جبران کردن آن است. همهٔ سفارشات کتاب آسمانی قرآن و معصومین (ع) نسبت به خوش‌بینی را می‌توان مربوط به جامعه اسلامی مسلمانان یا حداقل دربارهٔ کسانی که دشمنی آنها غیرآشکار بوده، دانست (مغنیه، ۱۹۷۲، ج ۴، ص ۱۱۲).

۴. ۲. پیامدها با توجه به فضای غالب جامعه

ظن در جامعه‌های فطرت‌گریز و طبیعت‌گزین اقتضایی است؛ نه التزامی، یعنی اگر فضای غالب

در جامعه نیکوکاری بود باید به کردار و گفتار دیگران حُسنِ ظن داشت که در منابع دینی نیز بـدان اشاره شده مانند روایاتی که دستور به گوش نـدادن بـه حـرف دیگـران در فضـایی کـه اعتمـاد بـه برادرانت باشد (حرّعاملی، ۱٤۰۹، ج ۱۷، ص ۳۷۹)، اما در غیر این صورت، حُسـنِ ظـن خـودفریفتن و خطر کردن است کـه همـان سـاده‌لوحی اسـت (علیـزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۸) و همـین معنـا در کلمـات امام علی (ع) آمده است که در موارد حُسنِ ظـن از روی اعتمـاد بـی‌دلیـل و از روی خوش‌بـاوری ساده‌لوحانه مذموم است و تأثیر منفی دارد که در واقع، مرز بین خوش‌باوری و حُسـنِ ظـن اسـت (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۴) و دستور اهل بیت (ع) به این فضا تا جایی است که دسـتور بـه تصـور کـار برادر تا زمان تعویض فضای غالب داده شده است (کلینی، ۱۳٤٤، ج ۱، ص ۳۴)، امام علی (ع) در نامـه به مالک اشتر نیز می‌فرمایند: «در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن و آنجا کـه کـار جـز بـا درشتی انجام نگیرد، درشتی کن (نهج البلاغه، نامه ۴۶). پس باید متناسب با وضعیت، حُسـنِ ظـن را عمل یا ترک کنیم.

اما اگر فضای غالب برعکس باشد، حُسنِ ظن در اینجا همـان سـاده‌لوحی شـمرده می‌شـود. شخصی که در میان عده‌ای زندگی می‌کند که هواهای نفسانی و شوق به قدرت و فساد آنـان را در بر گرفته است، چگونه می‌تواند نسبت به عمل آنان حُسنِ ظن داشته باشد، آیا عاقلان عالم چنـین حُسنِ ظنی را می‌پذیرند؟ حکم عقل آن است کـه در جـایی کـه فسـاد در جامعـه فراگیـر شـود، حُسنِ ظن به افرادی که در محیط‌های فاسدند، نوعی خودفریبی به شمار می‌آید، امـا اگـر جامعـه کمتر دچار فساد باشد و یـا افـرادی کـه خـود را از فسـاد موجـود در جامعـه دور نگـه می‌دارنـد، مشخص باشند؛ سوء ظن به افراد جامعه و یا آن افراد خاص، گناه به شمار می‌آید. این اصل عقلی در روایات نیز بیان شده است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «وقتی صلاح و نیکی بر مردم زمان غالب شود، اگر کسی به کسی کـه از او رسوایی ظاهر نشده گمان بد ببرد قطعاً [به او] ستم کرده است و اگر بر مردم زمان فسـاد غالـب شود و کسی به کسی گمان خوب برد خود را فریب داده اسـت (نهـج البلاغـه، نامـه ۴۶، حکمـت ۱۱۴) و این ساده‌لوحی مصداق ظلم است و از امام هادی(ع) نیز نقل شده است:

إِذَا كانَ زَمَانٌ الْعَدْلُ فِيهِ أَغْلَبُ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ تَظُنّ بِأَحَدٍ سُوءاً حَتّى يعْلَمَ ذَلِـک مِنْـهُ وَ إِذَا كانَ زَمَانٌ الْجَوْرُ فِيهِ أَغْلَبُ مِنَ الْعَدْلِ فَلَيسَ لِأَحَدٍ أَنْ يظُـنّ بِأَحَـدٍ خَيـراً حَتّـى يبْـدُوَ ذَلِک مِنْهُ؛ زمانی که غلبهٔ عدالت بر ستم و جور باشد، سوء ظن داشـتن بـه کسـی حـرام است، مگر اینکه علم داشته باشی که کاری ناپسند از او صادر شده اسـت؛ و هنگـامی کـه

ستم و ظلم بیشتر از عدالت بود، کسی حق گمان خوب داشتن به دیگران نداشته مگر این‌که حسن وخوبی او آشکار و مشهود باشد (علامه مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۲، ص ۱۹۷).

در جامعه‌ای که اغلب افرادش اهل فساد باشند ـ یعنی غلبهٔ فساد بر صلاح ـ حمل بر صحّت کردن و خوش‌بین بودن درست نیست. در چنین جوامعی باید نظر کردن با عینک بدبینی باشد و چنانچه بدون اتکا به توجیه قابل قبول و معتبر، کارهای مردم را توجیه و تصحیح کنیم خود را فریب داده‌ایم. متأسفانه بسیاری از پرونده‌های موجود در جرائمی همچون کلاهبرداری و سرقت نیز نشان‌دهنده آن است که افراد زودباور به دلیل پذیرش بی‌چون و چرای هر سخنی مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند.

۴. ۳. موقعیت قضاوت وداوری

در مقام اعتماد به مردم و هم‌چنین در مقام قضاوت و داوری و مواردی از این قبیل، احتیاط باید کرد و بدون بررسی و فحص کامل اقدامی صورت نپذیرد؛ چون مرزهای ساده‌لوحی و حُسنِ ظن بسیار دقیق و نزدیک به یک‌دیگرانند و از همین‌رو، احتیاط در اینجا نیکوست. در این زمینه امام علی (ع) می‌فرماید: «لَیسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَی الثِّقَةِ بِالظَّنِّ؛ قضاوت کردن و داوری با تکیه کردن به گمان دور از عدالت است»(نهج البلاغه، حکمت ۲۲۰).

از این‌رو، در به‌کارگیری مناصبی مثل قضاوت در هنگام غلبهٔ صلاح، حسّ اعتماد کردن متقابل به معنای سپردن بدون تحقیق مناصب و مشاغل کلیدی به افراد ناشناس و وارد شدن در کارهای اساسی و مهم نیست. اصالت صحّت و حُسنِ ظن قاعدتا در کارهای جزئی و احوال شخصیه و امور شخصی درست است و گرنه در کارهای اساسی و مهم و زیربنایی کلیدی با وجود جایز نبودن سوء ظن، ممنوعیت معیار حُسنِ ظن برای قضاوت نیز است. در چنین مواردی، ضمن لزوم بررسی و تحقیق البته، بدون برخورد با حیثیت افراد باید بعد از کسب اطمینان جامع و کافی، اقدامات مناسب را انجام داد.

۴. ۴. موقعیت انتخاب کارگزاران

افزون بر صلاحیت و شایستگی زمامدار و پیشوای اصلی جامعه، کارگزاران و عاملان او درمناصب گوناگون نیز باید از شایستگی لازم برخوردار باشند. امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه و

در نامه به مالک اشتر می‌فرمایند:

ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِکَ فَاسْتَعْمِلْهُمُ اخْتِبَاراً وَلاَ تُوَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَأَثَـرَةً، فَإِنَّهُمَـا جِمَـاعٌ مِـنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَه؛ در کار کارگزارانت بنگر و پس از آزمایش به کارشـان برگمـار، نـه به سبب دوستی با آنها و بی‌مشورت دیگران به کارشان مگمار؛ زیرا به رأی خود کـار کـردن و از دیگران مشورت نخواستن، گونه‌ای از ستم و خیانت است (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

ایشان در مورد مُنشی‌های حکومت می‌فرماید:

... ثُمّ لَا يكنِ اخْتِيارُک إِياهُمْ عَلَى فِرَاسَتِک وَاسْتِنَامَتِک وَ حُسْنِ الظّنّ مِنْک فَإِنّ الرّجَالَ يتَعَرّضُونَ لِفِرَاسَاتِ الْوُلَاةِ بِتَصَنُّعِهِمْ وَ حُسْنِ خِدْمَتِهِم؛ در گزینش منشـی هیچ‌گـاه بـه خوش‌گمانی و خوش‌بینی و فراست خویش اعتماد نکـن؛ زیـرا کـه رجـال زیـرک راه خوش‌بینی زمامداران و جلب توجه را با تظاهر به خوش‌خدمتی و ظاهرسـازی کـردن نیک می‌دانند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۴. ۵. موقعیت انتخاب همسر و تشکیل خانواده

به نظر می‌رسد که دین به ویژه در زمینهٔ تعاملات سرنوشت‌ساز و مهم مانند ازدواج یا معاملـه‌های تجاری، دستور به احتیاطی بیشتر از موارد دیگر داده است. همچنین وظیفهٔ هر عاقلی در موقعیت انتخاب کردن همسر این است که شریک و همسر زندگی و به صورت کلی هر شریک در زنـدگی خویش را ابتدا آزموده و سپس بعد از آگـاهی بـر خـوبی و صـلاح او بـدبینی بـه او را تـرک کنـد (دستغیب، ۱۳۵۱، ص ۵۹۹). پس اینکه در برخی منابع دینی به منع ازدواج با احمق دستور داده شـده و آن را سبب تباهی فرد و جامعه و نسل می‌داند (علامـه مجلسـی، ۱۳۶۸، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷). بـا توجـه بـه مباحث پیشین مراد از احمق همان فرد ساده‌لوح است.

البته، این مسئله به معنای بی‌اعتمادی به افراد و سوء ظن داشتن نیست، بلکه بـه نظـر می‌رسـد برای شکل‌گیری اعتماد توجه به شواهد و قرائن ضروری است. البته، مقصود از اعتماد این نیسـت که انسان بدون هیچ قید و شرطی و بدون هیچ تأملی به دیگران اعتماد کند و به خود حق ندهـد از عقل بهره گیرد و خود را ملزم بداند در گفتار و کردار به دیگری اعتماد کنـد کـه همـان سـاده‌لوحی است، بلکه منظور اعتماد نسبی است که شرط لازم برای هر زندگی مشترک است. اعتماد نسـبی، سبب استمرار و استحکام خانواده است و سبب می‌شود همسران به یک‌دیگر انس بگیرند.

نکته دیگر، مسئله حُسنِ ظن پس از ازدواج و تشکیل خانواده است. قطعاً در انتخـاب همسـر

باید از خوش‌بینی و زودباوری حذر کرد، ولی پس از ازدواج اصل حُسنِ ظن بایستی زمینه حلِّ مشکلات و زمینه رفع اختلافات را فراهم کند. بنابراین، در ازدواج معیارهایی مانند بلوغ فکری و ثبات در تصمیم‌گیری و برخوردهای منطقی در مشکلات متعدد و خجالت و بازگو نکردن مسائل و عدم اضطراب در مسائل مختلف اقتصادی و فرهنگی خانواده برای همسر با حُسنِ ظن تنها درست می‌شود و اِهمال در هر کدام از این معیارها نشانهٔ ساده‌لوحی همسران است که خطرات زیادی در زندگی خواهد داشت (حسینخانی، ۱۳۸۹). در اصل می‌توان بین حُسنِ ظن و مراقبت‌های عقلی و فکری ـ چه قبل و چه پس از ازدواج ـ وجه جمعی یافت.

۵. نتیجه‌گیری

حُسنِ ظن و ساده‌لوحی دو مفهوم متمایز اخلاقی‌اند که اصل بودن حُسنِ ظن در نسبت با ساده‌لوحی در منابع دینی مشهود است و عدم مرزبندی با آن منجر به مشکلاتی می‌شود. بیان شاخص‌هایی چون ایمان و کفر، عقل و جهل و سلامت نفس و سقم نفس سبب این تشخیص می‌شود. خوش‌گمانی و بدگمانی مطلق نیستند. ابتدا لازم است طرف مقابل را آزموده و اگر درستکاری او برایش ثابت شد شایعات دربارهٔ او را اعتنا نکرده و حتی موارد رؤیت شده را نیز در صورت امکان حمل بر صحّت کند؛ مگر اینکه راهی برای حمل بر صحّت وجود نداشته باشد، اما در معاملات مهم مانند ازدواج یا معاملات تجاری با افراد ناشناخته و قرارداد و حکومت‌داری و هنگام فراگیری فساد در جامعه و غلبهٔ ستم بر حق به ویژه در مورد افراد ناشناخته و انتخاب کارگزاران و عدم رعایت حُسنِ ظن در خطاهای پرتکرار و مشهود بودن کامل بدی طرف مقابل اصل بر احتیاط و اجتناب از خوش‌بینی بوده که در واقع، خوش‌بینی اینجا ساده‌لوحی است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.
** نهج البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۰). امالی. (ترجمه: محمد باقر کمره‌ای). تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۸۴). عیون اخبار الرضا. قم: دار الکتب الاسلامیه.
ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۹۰). خصال. (ترجمه: محمدباقر کمره‌ای). تهران: کتابچی.
اعرجی نجفی‌حسینی، جعفر. (۱۳۸۵). الدرالمنثور. قم: نشر عاشورا.
آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. (ترجمه: رضا مهیار). تهران: نشر اسلامی.
بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۰). شناخت اسلام، تهران: بنیاد نشرآثار و اندیشه‌های شهید بهشتی.
حارث محاسبی، ابوعبد اللّه. (۱۴۰۶ ق). الوصایا. بیروت: چاپ عبدالقادر احمد عطا.
حسینی رامندی، سید علی اکبر. (۱۳۹۹). قرآن و غایت‌گرایی اخلاقی. دوفصلنامه قرآن شناخت. ۱۳ (۲۴)، ۳۹-۵۸.
دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین. (۱۳۵۱). قلب سلیم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
سلطانی، غلامرضا. (۱۳۷۸). تکامل در پرتو اخلاق. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
شریفی، احمد حسین. (۱۳۸۹). آیین زندگی. قم: نشرمعارف.
طباطبایی، سید محمد حسین (علامه طباطبایی). (۱۳۸۳). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۶۲). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
طوسی، ابوجعفر محمد. (۱۳۷۴). اخلاق ناصری. (ترجمه: مجتبی مینوی). تهران: خوارزمی.
علیزاده، میرزا. (۱۳۸۸). مثبت‌اندیشی یا منفی‌نگری. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
غزالی، ابوحامد محمد. (بی‌تا). احیاء علوم‌الدین. بیروت: دارالندوة الجدیدة.
فرامرز قراملکی، احد؛ ناسخیان، علی اکبر. (۱۳۹۵). قدرت انگاره. تهران: نشر مجنون.
فرامرز قراملکی، احد؛ مشایخی، محمدعلی. (۱۳۹۶). اخلاق در پرتو سخنان امام علی. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۸ ق). العین. بیروت: مؤسسه اعلمی.
قُربانی، هاشم. (۱۳۸۸). معنای زندگی از دیدگاه ویکتور فرانکل. مجله تأملات فلسفی. ۱(۳)، ۳۵-۵۷.
قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۴۱۲ ق). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
قمی، عباس. (۱۳۸۷). منتهی الامال. قم: انتشارات قدس.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵ ش). اصول کافی. (ترجمه: محمدباقر کمره ای). قم: نشر اسوه.
لیثی، علی. (۱۴۱۸ ق). عیون الحکم والمواعظ. قم: دارالحدیث.

متقی، علی بن حسام الدین. (۱۳۷۴). کنز العمال في سُنَن الأقوال و الأفعال. قم: دارالحدیث.
مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). بحارالانوار. تهران: اسلامیه.
مرادی، اعظم. (۱۳۸۶). بررسی دیدگاه غم و شادی در نهج البلاغه با تمرکز بر روش‌های شادی‌آفرین. فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه. ۲(۲۱و۲۲)، ۱۳۲ـ۱۴۴.
مغنیه، محمدجواد. (۱۹۷۲ م). فی ظلال نهج البلاغه. بیروت: دارالعلم.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۵۳). تفسیرنمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مکی، ابوطالب. (۱۳۱۰ ق). قوت‌القلوب فی معاملة المحبوب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
ملکی (تمدن)، پوراندخت. (۱۳۷۲). قدرت معجزه آفرین، تهران: نشر علم.
نراقی، مهدی. (۱۳۸۷ ش). جامع‌السعادات. نجف: چاپ محمد کلانتر.
نوری، حسین. (۱۳۶۹). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البیت (ع).
نوری، نجیب اللّه. (۱۳۸۷). الگویی نوین از مؤلفه‌های خوش‌بینی در نهج البلاغه، ماهنامه معرفت. ۱۲(۱۳۵)، ۵۳ـ۷۰.